

مؤسسهٔ مطبوعاتی هوشمند رسانه امروز	
<div>مدیر مسئول:</div>	
مازیا ر هوشمند	
<div>سر دبیر:</div>	
علی هوشمند	
<div>مدیر گرافیک:</div>	
فاطمه فیضلی	
<div>صفحه آرا:</div>	
محمد عباسی	
نشانی دفتر مرکزی:	پوشهر -خیابان طالقانی -بعد از پمپ بنزین وزیری -ساختمان شاتل - طبقه اول-واحد ۲
تلفن:	
۰۹۱۷۶۶۶۰۵۵۲	
نمابر:	
۰۲۱-۸۹۷۸۳۳۳۱	
پست الکترونیکی:	
payameasaloooye@gmail.com	
p.asaloooye@gmail.com	
وبسایت:	payameasaloooye.ir
چاپ:	شاخه سبز

این نامه اخلاق حرفه ای روزنامه پیام مسلوله را در payameasaloooye.ir بخوانید

**رتبه ۴ امتیاز ۴۳/۲**

## خبر

## لنج سازی سنتی بوشهر به جمع رشته‌های مصوب صنایع دستی کشور پیوست



معاون اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر گفت: رشته لنج ساز سنتی که در این استان فعال است، به

جمع رشته‌های مصوب صنایع دستی کشور افزوده شد.

به گزارش ایرنا، روابطعمومی اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان بوشهر روز یکشنبه به نقل از ایلا رحیمی، اعلام کرد: با پیگیری‌های انجام شده از سوی معاونت صنایع‌دستی استان و تنظیم پرونده اختصاصی لنج سازی، این هنر سنتی با کد رشته جدید در میان رشته‌های مصوب صنایع دستی ثبت شد. وی افزود: از این پس هنرمندان فعال در این رشته با عنوان مشخص لنج ساز سنتی فعالیت می‌کنند و فعالان این رشته از خدمات معاونت صنایع‌دستی استان بوشهر به دیگر رشته‌های بومی بهره‌مند می‌شوند.معاون صنایع‌دستی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر به خبرنگار ایرنا گفت: در قالب این رشته ماکت انواع لنج‌های مورد استفاده ساخته و با همان نام‌های محلی عرضه می‌شوند.

رحیمی در معرفی انواع ماکت ساخته شده لنج سازی سنتی، عنوان کرد: لنج "سماج" (مخصوص صیادی و با شاخصه ته صاف)، لنج "بوم" (با ۲ سوی زاویه‌دار ویژه و تیز و ویژه باربری)، " ناکو" ( با انتهای تخم مرغی شکل و کاربرد ۲ منظوره)، " ماشوره" (قایق کوچکی که برای تعمیرات چهار در دریا استفاده می‌شود) و "حوری" (نوعی قایق آفریقای که بصورت یک تکه از تنه درخت ساخته می شود) از دست ساخته‌های این رشته صنایع دستی است.وی افزود: صنعتگران این صنعت دستی بومی بیشتر در شهرستان‌های بوشهر، تنگستان، دیر، گناوه و دیلم فعالیت می‌کنند.

## ادبیات

## شکسپیر به سرقت ادبی متهم شد

شواهد جدید به‌دست‌آمده از یک کتاب قدیمی «ویلیام شکسپیر» را در طرح داستان نمایشنامه کمدی «سیمبلین» به سرق‌ت ادبی متهم می‌کند.یک کتاب کم‌یاب قرن شانزدهمی شواهد قانع‌کننده‌ای ارائه داده که نشان می‌دهد نمایشنامه «سیمبلین» اثر ویلیام شکسپیر از نمایشنامه‌ای گمشده «سِر توماس نورث»، نویسنده دوره الیزابت الهام گرفته شده است.نسخه کتاب «تاریخچه قایبان» اثر سال ۱۵۳۳ میلادی که خلاصه‌ای از تاریخ بریتانیا و فرانسه از دوران روم تا هنری هفتم است حاوی یادداشت‌هایی دست‌نویس در حاشیه کتاب از «سِر توماس نورث» است که با طرح داستان و جزئیات نمایشنامه ترازوی کمدی «سیمبلین» از ویلیام شکسپیر مرتبط است. «مایکل بلندیگ» که این کتاب را در کتابخانه دانشگاه هاروارد کشف کرده در این‌باره عنوان کرده که این حاشیه‌ها نمی‌تواند بر اساس نمایشنامه شکسپیر باشد، زیرا «نورث» حدود شش سال قبل از تاریخ پذیرفته‌شده اولین اجرای آن یعنی سال ۱۶۰۹ درگذشت. این یک کشف انقلابی است که تفسیر آن به گونه‌ای دیگر دشوار است، جز این‌که «نورث» از این کتاب برای نوشتن یادداشت‌هایی برای نمایشنامه‌اش استفاده کرد که شکسپیر بعداً از آن اقتباس کرده است. این حاشیه‌نویسی‌ها توسط محقق‌ی مستقل به نام «دنيس مک کارتی» نیز مورد تحلیل قرار گرفته که از سال ۲۰۰۵ از نرم‌افزار سرق‌ت ادبی برای افشای پیوندهای بین نمایشنامه «هملت» و نوشته‌های «نورث» استفاده می‌کند. تحقیقات «مک‌کارتی» الهامبخش کتابی با عنوان «نورث اثر شکسپیر» بود که سال گذشته توسط انتشارات «هیچ» منتشر شد و به زودی با عنوان جدید «شکسپیر در سایه» منتشر می‌شود.

## یادداشت

## سرطان راز نیست، آگاهی است

تجربه زیسته یک روزنامه‌نگار

اکرم امینی \*روزنامه‌نگار و مترجم



شاید اگر بهار ۱۴۰۰ بود و یادداشت اخیر دکتر خانیکی درباره سرطان پانکراسش را می‌خواندم، مواجهه دیگری با این خبر می‌داشتم. مواجهه‌ای صرفاً از نوع شوک، تأسف و غم. اما حالا بهار ۱۴ است، حدود یک سال از درگیری‌ام با سرطان خون می‌گذرد و این تجربه مرا وامی‌دارد مواجهه‌ام با نوشته استاد درباره بیماری‌اش، به گونه دیگری باشد که البته شوک و تأسف و غم را نیز در خود دارد.

«گفت‌وگو با سرطان» و «امید به درمان، بدون خوش‌بینی» از عبارت‌های کلیدی نوشته دکتر خانیکی است. او همان‌طور که سال‌ها از گفت‌وگو، تعامل و مدارا، در حوزه‌های مختلف گفته و نوشته، ایده گفت‌وگو را به میدان بیماری نیز آورده و این ایده، بسیار قابل توجه و البته درک آن، ضروری است.

اما آنچه در نوشته استاد، توجه مرا بیشتر به خود جلب کرد، جمله‌ای بود که در یک سال گذشته به آن ایمان آورده‌ام: «هیچ رازی در بیماری سرطان نیست که باید نهفته بماند.» روند درمان در یک سال گذشته، رفت و آمدهای متعدد به بیمارستان و دیدن بیماران و همراهانشان و شنیدن روایت‌هایشان، به من آموخته است که هیچ رازی در سرطان و هیچ بیماری دیگری نیست که بخواهد پنهان بماند.

شکی نیست که شوکه ترس، غم و ناامیدی، از نخستین واکنش‌های بیمار و اطرافیانش به شنیدن خبر بیماری‌هایی شبیه سرطان است، بیماری‌ای که در فیلم‌ها و کتاب‌ها از آن یک تراژدی بی‌نهایت تلخ ساخته‌اند که «زیاد وقت نداری» و مو و ابروی ریخته و از ریخت افتادن بیماران همراه است و بی‌برو و برگرد به مرگ ختم می‌شود.

البته که واقعیت چیز دیگری است و این واقعیت را فقط با گفتن و شنیدن و خواندن درباره سرطان یا هر بیماری ترسناک دیگری می‌توان به تصویر کشید. اصلاً با همین شناخت است که ترس آدمی می‌ریزد و همراه می‌شود، چه با سرطان، چه با هر بیماری دیگری که بدانی می‌توانی به درمانش امیدوار باشی.

همین حالا در بخش سرطان خون، آدم‌هایی بستری‌اند که بیماری‌شان دیر تشخیص داده شده است، دختران و پس‌رانی هستند که بیماری خود را نمی‌پذیرند و انکارش می‌کنند و زنان و مردانی که از آوردن نام بیماری خود هراس دارند یا خجالت می‌کشند به دوستان و نزدیک‌ترین کسانشان بگویند چه مهمان ناخوانده‌ای دارند تا مبدا قضاوت شوند. از قضا، بخش زیادی از درمان‌های ناموفق یا درمان‌های طولانی‌تر، مربوط به این بیماران است- این را نه بر اساس مطالعه علمی، که بر اساس تجربه زیسته یک سال گذشته‌ام در بیمارستان می‌گویم.

اما چه بدی دارد که انسان، از بیماری و رنج خود، بنویسد تا دیگران را آگاه کند؟ همانطور که دکتر خانیکی می‌گوید، هیچ رازی در بیماری سرطان وجود ندارد و آنطور که تجربه به من ثابت کرده گفتن و شنیدن و خواندن درباره آن، نه تنها خجالت و ترس ندارد، بلکه به نفع بیمار و جامعه، به‌ویژه جامعه درگیر با سرطان و بیماری‌های سخت دیگر است. در اولین دوره بستری‌ام برای درمان، با دختر شانزده ساله‌ای از لرستان هم اتاقی بودم. یک روز در اوایل دوره درمانش، همین‌طور که داروی شیمی‌درمانی به او تزریق می‌شد و هم‌زمان، تماس‌های خانواده و فامیل دور و نزدیک را یکی پس از دیگری پاسخ و به آنها بابت اینکه حالش خوب است، دل‌داری می‌داد، گفت: من اینجا در آرامش روی تخت دراز کشیده‌ام، دارو می‌گیرم و حالم خوب است اما همه فامیل در خانه ما جمع شده‌اند و گریه می‌کنند! آن جمله و تجربه‌های مشابه خود و دوستانی که در میان بیماران پیدا کرده‌ام، به من آموخته که فقط دانستن درباره سرطان است که از نگرانی‌های بیماران و اطرافیانشان کم و آنها را به جای اضطراب و غم، بر یافتن راهی برای درمان مناسب و کاهش دردها متمرکز می‌کند. من بنا بر همین آگاهی و تجربه کسب شده، در ماه‌های گذشته از بیماری و درمان خود نوشتم و می‌نویسم و حالا، نوشته دکتر خانیکی را با تأکید بر لزوم گفت‌وگو بر سر سرطان و با این جمله کلیدی که «هیچ رازی در بیماری سرطان نیست که باید نهفته بماند»، تأییدی می‌دانم بر درست بودن راهی که انتخاب کرده‌ام. از قضا دکتر خانیکی تنها استادی بود که در دوران دانشجویی در دانشگاه علامه از او نمره ۲۰ گرفته‌ام و خوشحالم که بیش از ده سال بعد از آن روزها، بی آنکه خود بداند و چنانکه از یک معلم انتظار می‌رود، دوباره به من آموخت- و البته دوباره نمره قبولی داد!

## تلويزيون

## «نجلا» چطور قلم می شود؟



سریال «نجلا» که پخش آن در نوروز آغاز شد و در ایام رمضان ادامه پیدا کرد، همچنان در حال ساخت است؛ با این همه تهیه کننده از پایان ساخت این مجموعه تلویزیونی در نهم اردیبهشت ماه خبر داده است. سعید سعدی در گفت و گویی با ایسنا، درباره نحوه پایان بندی سریال «نجلا» تأکید کرد: به دنبال سرهم بندی کردن نیستیم و سعی می کنیم مخاطب را راضی نگه داریم.او در پاسخ به اینکه آیا پخش «نجلا» با حذیفاتی از سوی تلویزیون روبه رو شد؟ اظهار کرد: با توجه به چارچوب تولیدات سیما، طبق ضوابط «نجلا» را ساختیم و به همین دلیل مشکلی در پخش نداشتیم و همه ی بخش ها به پخش رسید اما خود ما برای نر کردن ریتم کار تغییراتی داشتیم تا به آنچه که مطلوب تر است برسیم. در واقع در تدوین به دنبال این بودیم که ریتم کار را تندتر و قابل قبول تر اجرا کنیم و به اصلاح آب نیندیم. سعدی در ادامه پایان پخش سریال را همزمان با عید فطر عنوان کرد و گفت: «نجلا» در ۳۵ تا ۳۶ قسمت به پایان خواهد رسید.

این تهیه کننده در ادامه درباره ی واکنش ها به تغییر بازیگر «نجلا» نیز اظهار کرد: در هر صورت چون سارا رسول زاده سر کار آقای ایرج راد بودند، نتوانستند با ما همکاری داشته باشند و دلیل دیگری جز این نبود و خانم دهقانی توانستند به لطف خدا از پس نقش برپایند و لطمه نتوانیم تصویر را با ارتباط با گریم بازیگر نیز به هر حال معذوریت هایی در کار بود و باید لحاظ می کردیم و در چارچوب ضوابط سیما عمل می کردیم.

سعدی در پایان از دشواری های ساخت این مجموعه در دوران کرونا نیز گفت و توضیح داد: «نجلا» سریال پر پرواگشتی بود و در هفت ای هشت شهرستان کار را پیش بردیم. به دلیل اینکه بتوانیم تصویر را با واقعیت منطبق کنیم. کار را در شادگان، اهواز، آبادان، خرمشهر، همدان، انزلی، اروندکنار، کرج و تهران تولید کردیم و این مساله بر سختی های کار می افزود.

## پیشخوان

## «جهان کتاب» زمستانی بهاری روی پیشخوان آمد



شماره نوروزی مجله ادبی «جهان کتاب» منتشر شد و روی پیشخوان مطبوعات آمد. شماره نوروزی مجله ادبی «جهان کتاب» ویژه بهم و اسفند ۱۴۰۰ به تازگی منتشر شده و روی پیشخوان مطبوعات آمده است. این شماره از مجله مذکور با داستان‌های «سعادت سگی» نوشته الکساندر ایوانوویچ کورپین با ترجمه پرتو شریعتمداری، «پولین دو اس» نوشته مارسل پروست با ترجمه توفان گرگانی و «گربه من: نجیب زاده، آزاد، بی همتا» نوشته سیروس پیرهام شروع می‌شود.

در ادامه معرفی کتاب‌های «خیام نیشابوری: زندگی، افکار و رباعیات»، «رموز اشراقی شاهنامه (شرح ابیات و حل رموز داستان سیاوخش)»، «تاریخ کاشان» و «مجموعه آثار میرزا حسن رشدیه تبریزی» آمده و پس از این معرفی‌ها، مقاله «ردیای کافکا در عزاداران بَیْل» به قلم سعید رضوانی منتشر شده است. کتاب‌های «فهم طبقه»، «فلسفه گریه گرا: گریه‌ها و معنای زندگی»، «زمین زهری»، «درد نهفته» و «دویدن تا تیه بودن» هم در ادامه معرفی شده‌اند. مقاله بعدی این مجله، «زنان بی چهره و طرح جلدهایی برای شعر عاشقانه - اجتماعی امروز» نوشته ناصر نصیری است.

بخش دوم مقاله «دانشنامه نگاری در پرتو سیاست فرهنگی» نوشته عبدالحسین آذرنگ، «دویراستاران پرده نشین» نوشته محسن شجاعی، بخش اول مقاله «تلقی و تصور شاعران ایران از لنبین و استالین: ۱۳۲۵ - ۱۲۹۶» نوشته کامیار عابدی، «هوستاوویچ در ترکیه: برگی از دفتر تاریخ روابط دیپلماتیک شوروی و ترکیه» نوشته نادر انتخابی، «همچنان و همواره باید اعلام خطر کرد» با ترجمه محسن یلفانی و «از کتاب فروشی‌های محلی حمایت کنیم؛ مبارزه یک کتاب فروشی مستقل با شرکت آمازون» نوشته کیسی سِپ با ترجمه سعید پزشک از دیگر مقالات منتشرشده در شماره بهاری زمستانی جهان کتاب هستند که پس از آنها هم بخش «هزار و یک داستان» برای معرفی آثار جدید داستانی ایرانی در بازار نشر آمده است.

معرفی کوتاه و تازه‌های بازار کتاب هم دو بخش دیگری هستند که در این مجله چاپ شده‌اند و پس از آنها هم بخش درگذشتگان قرار دارد. نمایه بیست و ششمین سال انتشار مجله جهان کتاب هم آخرین مطلبی است که در این شماره منتشر شده است.این شماره جهان کتاب، سیصدونودویکمین شماره در سال بیست و ششم و نهمین شماره آن در سال ۱۴۰۰ محسوب می‌شود. این مجله با ۱۰۰ صفحه و قیمت ۶۰ هزار تومان منتشر شده است.

## کیوسک

## «آرمان ملی» از عزا درآمد



روزنامه آرمان ملی امروز (چهارم اردیبهشت ماه) به پیشخان روزنامه‌بازگشت.

به گزارش ایسنا، انتشار روزنامه آرمان ملی که در پی درگذشت ناگهانی حسین عبدللهی– مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز این نشریه– مدتی متوقف شده بود، از امروز (چهارم اردیبهشت ماه) از سر گرفته شد.

آرمان ملی از این پس توسط نیره طاهری – همسر مرحوم حسین عبدللهی– اداره می‌شود.

روزنامه آرمان ملی امروز، تیترو عکس یک خود را با ارائه گزارشی از سفر ناوایاره حسین عبدللهی، مدیر مسئول تازه درگذشته روزنامه آرمان ملی و ازبایی شخصیت‌ها و روزنامه‌نگاران از کارنامه او، با عنوان «آرمانی که پایش ایستاده» اختصاص داد.

همچنین بررسی حواشی پیرامون احیای برجام، حاشیه‌های صداوسیما و ماجرای بازگشت عادل فردوسی‌پور و شرط او برای بازگشت از جمله عناوین مهم این روزنامه در نخستین روز انتشار پس از وقفه چند هفته‌ای بود.

## تماشا

## حمیدقلیجاری



## یادداشت

## نجات قایدی فوتبالیست!



وضعیت این روزهای مهدی قایدی همه فوتبال

دوستان را نگران کرده چرا که نتیجه رفتارهای امروزش در آینده رسیدن پوچی است! این یک فرمول ثابت در همه حوزه هاست؛ اصولا وقتی «نان استعداد» مادر زادیت را می‌خوری تا میوه «تلاش و استقامت» را،رابیطیتا قدر ناشناس‌تری و در آن سو هم کمتر قدر می‌بینی. مهدی طارمی اما هر دو را کم و بیش، توامان داشت.استعدادی که با تلاش و تمرین بار داد، اما قایدی آن یکی مهدی بوشهری، یک استعداد خاص دارد که از همان بوشهر چشمه‌ها را خیره کرد. به واسطه ریزه بودن و استایل خاص بدنی، چنان آزادانه با توپ می‌گریخت که کمی تمرین بدنسازی و چارچوب شناسی توانست در عرض ۳ سال از او یک ستاره بسازد .

اما پرشش این است اینک مهدی طارمی کجاست و مهدی قایدی کجا و در تابستان مسیر شان به کدام سمت است؟ البته این را می نویسم چون قایدی در اول راه است،طارمی هسمن او بود در پادگان بالای برجک، پاس می‌داد و تازه چندسال بعدش بود که با پاس گل چهارم برجک دربی را پایین آورد. پس قایدی هنوز فرصت بسیار دارد. اما با تغییر مسیر کاملا جدی.

او دقیقا یکبار به واسطه رسیدن به قرارداد خوب و زندگی مرفه در پایتخت، از مسیر اصلی پیشرفت خارج شد. دو سال اولش در استقلال، چنان همه را نا امید کرد که در مقطعی شفر به او اجازه تمرین نمی داد تا با لباس شخصی شلخته و دمپایی به پای، روی نیمکت، کنار پیشکسوتان خمیازه بکشد و همه گفتند سلام کنید به پیام دوم، مجاهد ثانی و این دست از قیاس های استخوان سوز ...

بیا این وجود از فصل سوم حضورش در تهران درست بعد ازدواج، ناگهان ستاره تیم استراماچونی شد. آنقدر خوب که استقلال صد در صد وابسته به او بود.اگر نبود قطعا از دربی برگشت ۹۸ تا همین دربی رفت فصل گذشته ،استقلال نتایج دیگری می گرفت.

او یک تنه نتیجه تغییر می داد چه با گل‌های حساس دقیقه نودی چه با پاس‌های حیرت آور ،دقایق ابتدایی، پرسپولیسی ها خوب می دانند این

<sup>[1]</sup> مهدی طاهرخانی